

عبد الکریم موسوی

## قرآن یا افتای که غروب ندارد

برگزیدگان بشر که فقط بمنظور راهنمایی مردم از طرف خداوند مأموریت پیدا میکنند و تنها هدفشان تأمین سعادت همیشگی بشر است؛ در عین حالیکه باید راستگو، درستکار، امین، عادل، و خلاصه دارای صدها ملکات فاضله و کمالات انسانی باشند باید نشانه‌ها و علائمی را دارا باشند که انبیا مقام معنوی آنها کند و دلیل صدق مدعای آنها باشد.

یعنی باید کارهای مهمی را که از حدود قدرت و توانایی بشر خارج است و غیر از استمداد از خداوند و وسیله اجرا ندارد انجام دهند، تا همه کس بدانند که از جانب خداوند مأموریت دارند و منظور دیگری در کار نیست. *در کمال بیست و هفتم مطالعات فقهی*  
آری همین نشانه هاست که انبیا و پیغمبران را بیک طبقه ممتاز از جمعیت قرار داده و مکتب آنها را از مکتبهای دیگر جدا ساخته است.

هر چند روش آنها در هدایت افکار و تعلیم و تربیت و سایر جهات نیز فرق زیادی با دیگران دارد ولی منشأ همه امتیازات اینست که آنها در تمام موارد وابسته بخدا هستند و مسئولیت بک واسطه را دارند.

عاجز بودن دیگران دلیل اعجاز نیست

در مقام اعجاز تنها کافی نیست پیامبر کار برانجام دهد که دیگران از انجام آن عاجز باشند چون هر متخصصی ممکن است در رشته تخصصی خود مهارتی بخرج دهد و دیگران که بیابۀ او نمیرسند از مقابله با او عاجز باشند بلکه همیشه این طور بوده و هست

در رشته‌های مختلف علوم و صنایع و هنرهای گوناگون، در بین اشخاصیکه در آن رشته کار می‌کنند يك سابقه‌فهری موجود است و همیشه يك فرد گوی سبقت را از دیگران میبرد و رقباى او بنظر تحسین یا حسد با او می‌نگرند.

بنابر این، نقاشی که يك تابلوی بسیار زیبا و جاذب تنظیم کرده یا خطاطی که لوحه خوبی نوشته یا سخن مرای توانائی که نطق مهیجی کرده نمیتواند داعیه نبوت داشته باشد و این کار را برای خود، اعجاز قلمداد کند.

بلکه باید نشانه پیغمبری نوعی باشد که از حدود قدرت و توانائی بشر بیرون و کار خدائی باشد.

يك مثال روشن

بد نیست در اینجا مثالی بزنیم، چندی پیش که شورویها توانستند موجود زنده‌ای را به همراهی قمر مصنوعی به فضای فوق جو بفرستند و دنیا را در آستانه تحول جدیدی قرار دهند، توجه همه مردم باین موضوع جلب شد و در همه جا صحبت از قمر مصنوعی و از اول مسافر زنده ما در آن جو بود.

دانشمندان در رصد خانه های بزرگ کشورهای مختلف با وسائلی که داشتند مشغول تحقیق و بررسی در اطراف موضوع بودند و همه مردم جهان باین صبری تمام انتظار نتایج سیاسی و غیر سیاسی آنرا داشتند.

اگر کسی همین تحول عظیم را با قول مردی که میگوید من بدون وسائل و اسباب به کمک خداوند کور را شفامیدهم، و مرده را زنده می‌کنم و گرفتار مرض مهلك را شفامیبخشم مقایسه کنیم می بینیم که میان این دو فرق بسیار است، علامت پیغمبری از قبیل دوم است که میگوئیم از حدود توانائی بشر خارج است، چون هر چه دقیق شویم و قضیه را تجزیه و تحلیل کنیم، باین نتیجه خواهیم رسید که خداوند این کارها را بدست این شخص انجام میدهد تا معلوم گردد که در ادعای خود صادق است و استنادش بخداست

تجدی (دعوت به معارضه)

روی همین است که کلیه معجزات انبیاء مقرون بتجدی (دعوت به معارضه) میباشد

یعنی برای اینکه کاملاً روشن شود که کار روی جریان عادی نیست و جز با استناد بخدا ممکن نمیباشد؛ مرد مرا دعوت میکنند که بیایند و قضیه را دنبال کنند و بفکر مقابله بیفتند، چون وقتیکه باین فکر افتادند مجبورند قضیه را مورد دقت قرار دهند اگر در نظر اول هم متوجه فوق العادگی او نباشند بعد از دقت مسلماً پی خواهند برد.

### معجزه های دیگر

همه پیامبران با تناسب زمان و مکان و شرایط محیطیکه در آن زندگی میکردند علامت و نشانه هائیرا داشته اند، از جمله پیغمبر اسلام هم بشهادت تاریخ علامت زیادی داشته است ولی متناسفانه اکثر آنها مثل همه معجزات سایر انبیاء برای ما و آنها یکبه بعد از ما می آیند جنبه تاریخی دارد هر چند تاریخ مسلمان و غیر قابل انکار باشد. درین همه این علامت تنهایی معجزه تا کنون باقیست و چون برای همه است در دسترس همه گذاشته شده است تا دقت کنند و قضاوت نمایند و آن همین قرآن است که در دسترس ما و شماست.

قرآن امروز در دنیا قریب چهارصد میلیون تابع دارد و آنرا بعنوان کتاب مذهبی مقدس می شناسند، همین کتابیکه چهارده قرن است از دستبردهای زمان در خلال حوادث و پیش آمدهای گوناگون، خدا آنرا حفظ کرده است هنوز هم مثل خورشید درخشان در آسمان حقیقت می درخشد، اشعه لطیف و روح افزای خود را که يك جهان معارف و حقایق است برای جهانیان مبذول میدارد.

### جنبه های مختلف اعجاز قرآن

اعجاز قرآن از جنبه های مختلفی مورد مطالعه و بحث علماء و دانشمندان واقع شده است.

۱- از جنبه نظم و اسلوب کلام.

۲- فصاحت و بلاغت.

۳- داشتن خبر های غیبی.

۴- نداشتن اختلاف.

۵- کشف مسائلی که آنر و زبرای بشر مجهول بود.

۶- استحکام و متانت مطالب بطوری که در طول این مدت يك مطلبش هم باطل

نشده است و از جهات دیگر ...

نظر ما در این جا به چه کلامی از این جهات نیست، ما می‌خواهیم توجه خوانندگان را  
 بیک نکته دیگر جلب کنیم که بعقیده ما بسیار قابل توجه است و علماء و دانشمندان هم  
 در باره آن بحث‌های مفصلی کرده‌اند.

### تحدی در قرآن

مادر مطالعه قرآن آیات متعدده‌ای بر می‌خوریم که در مقام تحدی نازل شده است  
 و با صراحت لهجه کامل و با اطمینان بی نظیری که مخصوص بآن است بجهانیان اعلام  
 می‌کند که: اگر شك دارید که قرآن کلام خداست در مقام مقابله بر آید و  
 نظیر آن را بیارید، در ذیل آیه میفرماید نمی‌توانند و نخواهند توانست: نظیر يك سورة  
 آنرا هم بیارند: در سورة اسرائیل آیه ۸۸- میفرماید: «قل لئن اجتمعت الانس والجن  
 علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لایأتون بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهیراً» (بگو اگر انس  
 و جن جمع شوند و بخواهند نظیر قرآن را بیارند نخواهند توانست اگر همگی باهم  
 کمک باشند).

در سورة یونس آیه ۳۸- در جواب اشخاصی که میگفتند قرآن از ساخته فکر  
 خود بیغمیر است می‌فرماید: «ام یقولون افتراء قل فأتوا بسورة مثله وادعوا من استطعتم  
 من دون الله ان کنتم صادقین» (آیا میگویند قرآن را بخدا افتراء بسته، بگو اگر راست  
 میگویند نظیر يك سورة آنرا بیارید و هر کسی را میخواهید غیر از خدا بکمک  
 خود بطلبید)

در سورة هود همین تحدی را جعبه سورة قرآن ذکر شده است.

در سورة بقره آیه ۲۳- می‌فرماید: «وان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا

بسورة من مثله وادعوا شهدائکم من دون الله ان کنتم صادقین» اگر شك دارید در قرآن  
 آیاتی که به بنده خود نازل کرده‌ایم، نظیر يك سورة آنرا بیارید و گواهان خود را غیر از

خدا بیاورید اگر راستگو هستید) .

### وضع مخالفین

این آیات برای اشخاصی خوانده میشد که دین جدید وضع آنها را بهم زده شخصیت و حیثیت آنها را تهدید مینمود ، خدا یا نشان را مسخره میکرد ، رسومات و آداب ملیشان را بیاد انتقاد گرفته بود .

طبیعهٔ نهضت و انقلابی ظاهره شده بود که آنها بانضج گرفتن آن نهضت همه چیز شان را نابود شده میدیدند .

لذا برای خاموش کردن این آتش که داشت شعله در میشد با تمام نیرو و قوای خود میکوشیدند مجالس و محاضر پشت سر هم منعقد میساختند ، نقشه‌ها میکشیدند و برای اجرای تصمیم خود از هیچ عملی فروگذار نبودند .

و با همهٔ اینها هیچ نتیجه مثبتی از اقدامشان نگرفتند ، نطفه نهضتی که منعقد شده بود تکامل روز افزون داشت ، روز بروز بیشتر خطر سقوط آئین و رژیم را که طرفدار آن بودند و در راه آن با جان و مال میکوشیدند حس مینمودند و نگرانیشان از آتیه بیشتر میشد .

### فکر ساده

اگر در عوض تمام این مبارزات منفی و آزارها و تبعیدها دور هم جمع میشدند نظیر یک سوره از سوره‌های کوچک قرآن را میساختند موضوع نبوت خود بخود منتهی میشد و بی‌غیر هم در جای خود مینشست و قهرأ کارها بحال اولی خود بر میگشت و مردم از دور او پراکنده میشدند .

نه جنگ بدری پیش می‌آمد ، نه در جنگ احد آن صحنهٔ خونین را میدیدند و نه بمشکلات جنگ خندق گرفتار میشدند ، چرا نکردند ؟ و چرا این فکر ساده که در مغز کسیکه در آن شرائط واقع بشود پیش از هر چیز میرسد ، بمغز آنها نرسید ؟

### ادبیات اعراب

باینکه آنها اگر از هر علم و هنری عاری بودند در سخن سرائی ، شعر ، خطابه

و خلاصه در ادبیات، کمال مهارت را داشتند، تشکیلات بازار عکاظ و سایر محافلشان دامنه دار بود فصحا و ادبا و سخن سنجهای بسیار داشتند حتی برتری قبائل و طوائف بر یکدیگر مقدار زیادی روی همین اصل بود.

اینجا باید خواننده قدری دقیق شود؛ راستی چرا این عمل ساده را انجام ندادند مگر چه مشکلی در بین بود؟ واقعا میشد نظیر این آیات را گفت با مانع دیگری در پیش بود؟ اگر بود چه بود و چه میتوانست باشد؟

ولید بن مغیره

تاریخ شهادت میدهد آنها پیش از همه چیز این را فهمیده بودند که اینکار نشدنی است، و این نقشه عملی نیست قضیه «ولید بن مغیره» که ادیب مقتدر و سخن سنج توانایی بود شاهد مدعی ماست.

این مرد از بزرگان قریش که آنروز در مخالفت پیغمبر اسلام پیش قدم بودند بشمار میرفت.

روزی با پیغمبر اسلام ملاقات کرد حضرت آباتی چند از قرآن برای او خواند و با اینکه باصل نبوت معترف نبود و قهراً بایک عناد و لجاجی گوش میداد سخت در تحت تأثیر قرار گرفت. بطوریکه انتظار نمیرفت ایمان آورد.

ابوجهل که از سرسختترین دشمنان پیغمبر اسلام بود از جریان مطلع شده پیش ولید رفت و بالحن اعتراض آمیخته با استهزاء گفت قوم تو تصمیم گرفته اند قدری پول جمع کنند و بتوبه دهند تا از این افکار دست برداری چون شنیده شده است پیش محمد بن عبدالله رفته ای و میخواهی آئین او را اختیار کنی!

ولید که از این اعتراض سخت بر آشفته بود دلی صلاح نمیدانست که باوجهل جواب تند بگوید، بایک لحن جدی گفت قریش که میدانند من از تو و تمندان و پولدارها هستم... ابوجهل هم صلاح ندانست که اعتراض خود را تعقیب کند لحن صحبت را عوض کرده با یک قیافه مسالمت آمیز گفت پس در حق او انتقادی کن تا مردم بدانند که تو از محمد بن عبدالله خشنود نیستی.

هیجان درونی و لید و تأثیراتی که آیات در روح او باقی گذاشته بود اجازه نداد بهمین زودی تسلیم ابو جهل گردد، گفت چه بگویم؟ همه میدانند درین شماها کسی نیست در سخن سنجی و سعه اطلاع در رشته‌های ادبی پایه من برسد.

آن آیاتی که من شنیدم هیچ گونه شباهتی باین اشعار و مقالات عادی نداشت شیرینی فوق العاده و ملاحظت و جاذبیت مخصوص دارد، ریشه هایش بسیار محکم و شاخه هایش پر بار است کلامیست بلند پایه و هیچ کلامی بی پایه از نمی رسد.

این بود نمونه ای از قضاوت‌های دشمنان قرآن که پیش از همه چیز فهمیده بودند که ساختن مثل این آیات از حدود قدرت و توانائی بشر خارج است.

### عکس العمل‌ها

با این وضع قرآن دعوت خود را شروع نمود و در مدت کمی بگوش همه جهانیان رسانید، اکنون چهارده قرن از آن تاریخ برافتخار میکند.

در طول این مدت دعوت قرآن همیشه با عکس العمل های شدید و جنجالها و کشمکشها روبرو شده است؛ گاهی روح مخالفت بشکل هیولای مویزب جنگهای صلیبی در آمد، و هزاران هزار اشخاص را بخون کشید.

بار دیگر در صورت قرآن داد مشهور اندلس مجسم شد تا بتواند کاری از پیش ببرد و به هدف نزدیک تر گردد. *رتال جامع علوم انسانی*

و گاه دیگر قیافه منفورتری بخود گرفت، بصورت فحش و ناسزا و افتراء حتی بشخص پیغمبر اسلام (ص) از نوك قلمهای نویسندهاں، و دهان گویندگان مخالف خارج گشت آری بهر صورت در آمد ولی کاری از پیش نبرد در عوض همه این کارها حتی يك عمل ساده را انجام نداد که سوره ای نظیر قرآن بسازد تا جواب این آیات گفته شود و این ندا برای همیشه خاموش گردد...